

تاریخ و فرهنگ، سال چهل و هفتم، شماره پیاپی ۹۵،
پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۲۸-۹

شیوه های واکنش و مخالفت علمای شیعه با فعالیت هیات تبشیری پرس بی تریان در مشهد طی سال های ۱۳۰۱-۱۳۰۹ شمسی*

علی نجف زاده / عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه بیرجند^۱
دکتر محمد حسن الهی زاده / دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند^۲

چکیده

هیات های تبشیری آمریکایی از دوره قاجار فعالیت گسترده ای در سراسر ایران آغاز کردند و عمدتاً در قالب تاسیس مدرسه و موسسات درمانی به تبلیغ می پرداختند. آن ها به این منظور در ارومیه، همدان و تهران مدارس و بیمارستان های ساختند. مشهد نیز از جمله شهرهایی بود که در طی جنگ جهانی اول بیشتر مورد توجه هیات های تبشیری قرار گرفت. هیات تبشیری پرس بی تریان آمریکایی پس از تثبیت موقعیتش در مشهد، در صدد اجرای برنامه های خود برآمد و شروع به ساخت تاسیسات زیربنایی نظیر مدرسه، بیمارستان و کلیسا کرد. علمای مشهد نسبت به این اقدام واکنش جدی نشان دادند و تلاش کردند مانع از فعالیت های آن ها شوند. این هیات در سبزواری نیز دست به فعالیت تبلیغی زدند که با مخالفت مردم و علما مواجه شد و در مشهد نیز آیت الله نوغانی شیوه مناظره و ردیه نویسی را برای مقابله با کشیش های آمریکایی برگزید.

مقاله حاضر ضمن بررسی واکنش های علمای شیعه طی سال های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۹ ش در برابر فعالیت هیات تبشیری پرس بی تریان در مشهد و سبزواری، اقدامات انجام گرفته توسط آن ها و شیوه واکنش ها را براساس مطبوعات خراسان و اسناد باقی مانده مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

کلیدواژه ها: مشهد، سبزواری، پرس بی تریان، نوغانی، علمای شیعه.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۴/۱۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۵/۰۲/۱۳

۱ . Email: anajaf@birjand.ac.ir

۲ . Email: mhelahizadeh@birjand.ac.ir

DOI: 10.22067/history.v47i12.23634

مقدمه

نخستین حضور آمریکایی‌ها در ایران در قالب میسیونرهای مذهبی است. مبلغان آمریکایی از سال ۱۸۳۲م/۱۲۱۱ش خیلی جلوتر از فعالیت نمایندگان سیاسی در ایران شروع به فعالیت کردند. آنها با ساخت کلیسا، مدرسه و چاپخانه در تهران، تبریز، مشهد و رشت به تدریج به ترویج آراء و عقاید خود پرداختند.^۱ از سابقه حضور میسیونرهای آمریکایی در مشهد در اوایل دوره قاجار اطلاع زیادی در دست نیست. شاید قدیمی‌ترین گزارش در این خصوص سفارش‌نامه‌ای از نویسنده‌ای نامشخص است که در ۷ ربیع الثانی ۱۲۹۵ق/۱۲۵۷ش به وکیل مشهد درباره همکاری با «مستر بسط» کشیش آمریکایی که به تازگی روانه خراسان شده بود، نوشته شده است (سازمان اسناد ملی، ۱/۳۲۹-۹۸۸). مستر بسط باید همان جمیز باست باشد که از طرف بنگاه کتب مقدس بریتانیا و کشورهای خارجی برای فراگیری لهجه تکه‌ها به مشهد رفت و در میان یهودیان مقیم این شهر کتابهای تبلیغی توزیع کرد. سپس نماینده‌ای به نام میرزا حسینعلی را در مشهد گمارد و خود با همکاری یکی از یهودیان مشهد شروع به ترجمه انجیل کرد (همراز، ۱۳۸).

دومین مبلغ فعال آمریکایی در مشهد کشیش اسلستین بود که در سال ۱۸۹۵م/۱۲۷۴ش وارد مشهد شد ولی پس از یک ماه بر اثر مخالفت مردم ناچار به ترک این شهر شد و تبلیغ مسیحیت برای چند سال در این منطقه متوقف گردید. اسلستین در سال ۱۹۱۱م/۱۲۹۰ش بار دیگر به مشهد بازگشت این بار با توجه به اوضاع فرهنگی و اجتماعی مشهد تبلیغ آشکار را متوقف کرد و به تبلیغ از راه فعالیت‌های پزشکی پرداخت. از ۱۹۱۵م/۱۲۹۴ش به طور مستمر پزشکان مبلغ به مشهد آمدند. ویدا همراز یکی از علل توجه میسیون آمریکایی به تبلیغ در شرق و شمال شرقی ایران را بروز جنگ و ناامنی در شمال غربی کشور دانسته که با بروز جنگ جهانی اول شدت یافت و اقامت مبلغان را با دشواری مواجه ساخت (همانجا).

مقارن جنگ جهانی اول مبلغان مذهبی آمریکایی که نماینده «شرکت اداره پرس بی‌تریان میسیون اتازونی» (فکر آزاد، سال اول، شماره ۵۳، ۳) بودند و به همین جهت در مشهد بیشتر با نام هیات پرس بی‌تریان شناخته می‌شدند، فعالیت خود را بطور جدی دنبال کردند. فعالیت هیات‌های میسیونری در ایران در سه جنبه ترویج مذهب پروتستان، فعالیت‌های آموزشی و خدمات پزشکی (زیرینسکی، ۸) انجام می‌گرفت که معمولاً متناسب با نیازها و شرایط فرهنگی و اجتماعی محیط بر یکی از این جنبه‌ها تاکید می‌شد. هیات پرس بی‌تریان با توجه به موقعیت مذهبی مشهد و حساسیت مردم در خصوص مسائل مذهبی و

۱ - برای اطلاع بیشتر رک عبدالله متولی، «نگاهی به عملکرد موسسات تبلیغی آمریکایی‌ها در ایران»، فصلنامه مطالعات تاریخی، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۹، ص ۱۰۰ - ۱۳۳.

آموزشی، فعالیت خود را از راه خدمات پزشکی آغاز نمود. البته ناگفته نماند وجود درمانگاه کنسولگری روسیه و بریتانیا در مشهد فرصت بهتری برای این گونه فعالیت‌ها فراهم کرده بود. با این وجود اقدامات هیات آمریکایی به شدت با واکنش علمای مشهد مواجه گردید و دامنه آن به وزارت خارجه، جنگ و داخله کشیده شد. به همین جهت در این مقاله به علل بروز واکنش جدی از سوی علمای مشهد در سال ۱۳۰۲ش، تاثیر جناح بندی و تفاوت دیدگاه علمای مشهد بر واکنش‌ها، شیوه واکنش‌های علمای شیعه در مشهد و سبزواری و علل اتخاذ واکنش‌های متفاوت پرداخته می‌شود. با توجه شیوه‌های متفاوت واکنش علمای شیعی در مشهد و سبزواری علل اتخاذ این واکنش‌ها در مشهد و سبزواری اهمیت شیوه مسالمت‌آمیز مناظره که توسط نوغانی مورد استفاده قرار گرفت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فعالیت‌های بشردوستانه پرس‌بی‌تریان در مشهد

با شروع جنگ اول جهانی، مشهد دچار شرایط اقتصادی و بهداشتی نامطلوبی شد و قحطی همگام با بیماری مشکلات زیادی برای اهالی بوجود آورد. در همین زمان از سال ۱۹۱۵م/۱۲۹۴ش میسیونرهای آمریکایی دست‌بکار تاسیس مریض‌خانه در مشهد شدند (مدرس رضوی و دیگران، ۱۶۵). در مشهد نیز درمانگاه آمریکایی علاوه بر درمان بیماران، تهیه خوراک برای مردم قحطی‌زده و گرسنه را برعهده گرفت. دیگرهای بزرگی در محوطه درمانگاه کار گذاشته شد که هر روز به نیازمندان سوپ و نان می‌داد. پس از چندی چون محوطه درمانگاه گنجایش جمعیت را نداشت میسیون با کمک کنسولگری انگلیس کاروانسرای را اجاره کرد که در آن به مردم غذا می‌دادند (الدر، ۷۵).

مهمترین فعالیت میسیون آمریکایی در دهه اول فعالیتش، تأسیس درمانگاه و بیمارستان بود که این اقدام تأثیر عمیقی در مشهد برجای گذاشت. در این سال‌ها دکتر کوک و همسرش [در ۱۹۱۶م/۱۲۹۵ش] و دکتر والانتین هوفمان^۱ آلمانی الاصل، تبعه آمریکا، که مدت طولانی در مشهد زندگی کرد (همو، ۷۵) پزشکان این مریض‌خانه بودند و همراه آنها پدر روحانی ال.اف. اسلتین از مهمترین میسیونرهای آمریکایی بود که در ۲۱ دسامبر ۱۹۱۸م/۱۲۹۷ش گزارش‌هایی از قحطی و خدمات اجتماعی میسیون آمریکایی نوشت (مجد، ۱۹۹).

1 - Hofman

۲ - وابستگی برخی از این میسیونرها به آلمان قابل توجه است. دکتر والانتین هوفمان پزشک آلمانی الاصل بیمارستان آمریکایی مشهد بود. هوگو مولر Hugo Mülle یکی دیگر از میسیونرهای آمریکایی مشهد در سال ۱۳۰۵-۱۳۱۲هـ.ش. نیز خاستگاه آلمانی داشت. پدرش فردریک متولد ۱۸۴۸م مولدوآلمان و مادرش کاترین متولد حدود ۱۸۵۶م آلمان بود.

علت آغاز به کار موسسات خیریه آمریکایی در ایران، پیشنهاد ایران در خصوص درخواست وام یک میلیون تومانی از آمریکا بود. کالدول در ۱۷ آوریل ۱۹۱۸م/۱۲۹۷ش درباره مصرف این وام گفت: «کل این مبلغ بناست به طور گسترده برای برطرف کردن قحطی و زیر نظر شخص من به کار گرفته شود»، اما قوانین آمریکا پرداخت وام را تنها برای کشورهای مجاز می‌دانست که درگیر جنگ با آلمان بودند لذا برای رعایت این قوانین، دولت، انجمن‌های خیریه را تشویق کرد تا جایی که امکان دارد برای بهبود اوضاع ناگوار ایران همکاری کنند (همو، ۱۹۹). این اقدامات با مدیریت کمیته‌های موسوم به کمیته امداد رسانی ایران متشکل از میسیونرهای آمریکایی مقیم ایران و ایرانیان سرشناس انجام می‌گرفت (همانجا). مثلاً قحطی‌ها و بیماری‌های خراسان در طی جنگ جهانی اول که به سبب کمبود امکانات و کادر پزشکی و ... امکان مهار آن وجود نداشت، با کمک میسیون پرس بی‌تریان در مشهد تا اندازه‌ای رفع شد، اما فعالیت‌های انسان-دوستانه مانع از برنامه‌های تبلیغی آن‌ها نمی‌شد، مثلاً دکتر دی. ام. دونالدسون از اعضای میسیون پرس بی-تریان، علاوه بر مشهد سفرهای تبلیغی به سایر نقاط خراسان انجام داد. طبق گزارش پریدوکس در نهم مارس ۱۹۱۸م/۱۸ اسفند ۱۲۹۶ش دونالدسون در ۶ مارس/۱۵ اسفند ۱۲۹۶ش به اتفاق همسرش وارد بیرجند شد (یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی، ۲۱۹). یا وقتی نایب کنسولگری روسیه در سیستان در اول ژوئن ۱۹۱۸م/۱۰ خرداد ۱۲۹۷ش موضوع فروش زمین نایب کنسولگری روسیه را مطرح کرد، دونالدسون میسیون به پریدوکس، سرکنسول بریتانیا در سیستان و قاینات، گفت به اعضای میسیون خود دستور می‌دهد که از حالا تا یک سال آتی یا شاید در زمان پایان جنگ درباره خرید آن با روس‌ها وارد مذاکره شوند (همو، ۲۵۳).

در سال ۱۹۱۹م/۱۲۹۸ش مریض‌خانه میسیون آمریکایی در مشهد از کوچه ارگ به کوچه باغ عنبر منتقل گردید (مدرس رضوی و دیگران، ۱۶۵). ولی گویا در اواخر سال ۱۲۹۹ش آمریکایی‌ها از پیشرفت کار در مشهد ناامید شدند، زیرا طبق گزارش روزنامه ایران ۱۳ بهمن ۱۲۹۹ش اخبار واصله از مشهد نشان می‌داد «دکتر آمریکائی و همراهان مشارالیه که مدت‌ها بود در مشهد به معالجه مرضاء اشتغال داشتند، اخیراً شفاخانه خود را تعطیل نموده و به کلی علاقه خود را از مشهد جمع کرده‌اند. از قرار مذکور بطرف سیستان عازم شدند» (ایران، شماره ۸۲۹، سال پنجم، ۲). این جابجایی چندان دوام نیاورد و آن میسیون در سال ۱۳۰۰ش فعالیت خود را در مشهد دوباره شروع کرد و دکتر هوفمان، دکتر لیختوارد و دکتر دابلو میلار از اعضای این هیات در سال‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ش حوزه فعالیت خود را علاوه بر مشهد از سیستان تا نیشابور و تربت حیدریه توسعه دادند (فروپاشی قاجار و بر آمدن پهلوی، ۳۷۱، ۳۸۶).

این هیات پس از دوره شش ماهه حکومت کلنل پسیان فعالیت خود در مشهد را تقویت کرد و احتمالاً این برنامه از سفر روسای هیات میسیون آمریکایی از تهران و تصمیمات آنها آغاز شده باشد. طبق گزارش کنسولگری انگلیس در ۲۳ بهمن ۱۳۰۰ ش دکتر رابرت ای. اسپیر دبیر هیات پرس بی تریان، راسل کارتر خزانه دار هیات، ولز منشی شخصی اسپیر و دکتر مک داوول از اعضای هیات در ۸ فوریه به منظور ملاقات با میسیون نمایندگان هیات در مشهد وارد مشهد شدند. قرار بود آنها بعد از یک هفته در ۱۳ فوریه به تهران باز-گردند (همان، ۳۰۹). این مهمترین سفر روسای این هیات به خراسان بود و احتمالاً در این مسافرت تصمیم توسعه تدریجی زیرساخت ها اتخاذ گردید.

در اوایل دوره پهلوی هیات میسیون آمریکایی پرس بی تریان با تکیه بر جایگاه بدست آورده در ایران، در راستای تحقق جنبه دیگری از اهداف خود یعنی آموزش همچون تهران به تاسیس مدارس مدرن و گسترش پزشکی جدید (زیرینسکی، ۴۹۶) مبادرت کرد و قصد داشت گام های اساسی در هر سه جنبه مذهبی، آموزشی و پزشکی بردارد.

مخالفت علما با توسعه زیرساخت های هیات پرس بی تریان

از آغاز سال ۱۳۰۲ ش شرایط در مشهد تغییر نمود. این تغییرات از دو مساله که بطور همزمان در حال وقوع بود، ناشی شد و تلاقی آنها به برخورد جدی و واکنش عملی علما منجر گردید. از اواخر سال ۱۳۰۱ ش که میسیون آمریکایی به توسعه زیرساخت ها پرداخت، واکنش ها علمای شیعه علیه آن آغاز شد. نماینده «شرکت اداره پرس بی تریان میسیون اتانزونی» زمینی به وسعت تقریبی ۵۲۴۰۰ ذرع^۱ در غرب محله پاچنار خریداری کرد. در پی خریداری این ملک زمزمه هایی در مخالفت با این مسأله بروز کرد تا آنجا که میسیون آمریکایی برای رفع ابهام و آگاهی عموم از این معامله، ناچار به انتشار جزئیات آن و برنامه های آینده هیات تبشیری برای زمین مذکور شد. طبق این گزارش مفصل که در روزنامه فکر آزاد^۲ به تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۰۱ ش چاپ شد، زمین مذکور «ملک طلق و موروثی» و متعلق به «حاج حسین و حاج رحیم پاچناری، ورثه آقا میرزا عبدالحسین نقیب الاشراف، حاج امیر آقا و حاج عمیدالتولیه، ورثه حاج محمدعلی اتحادیه و حاج شیخ مهدی مدرس بالا خیابانی» بوده و «جمعه نه نفر فروشنده» داشته است و «بین کوچه حاج اعتضادالتولیه، کوچه حصار شهر، کوچه باغ طغرا و باغ مقبره نادری و منازل اشخاص متفرقه» واقع بود. این

^۱ - هر ذرع، برابر با ۱۰۴ سانتی متر است.

^۲ - روزنامه فکر آزاد با صاحب امتیازی احمد دهقان (بهمنیار) و مدیریت رفعت التولیه در چهار صفحه از ۲۹ جوزای ۱۳۰۱ هـ در مشهد به مدت دو سال در مشهد و از ابتدای سال سوم در تهران منتشر گردید (الهی، ۱۳۷۸، ۱۹۴).

معامله با «چهار طغرا سند قباله» در «محضر» ثبت سند آیت‌الله زاده در اردیبهشت ۱۳۰۱ ش و «به قیمت ۲۴ هزار تومان» به مدت «نود سال تمام با امضا و مهر آیت‌الله زاده و نماینده میسیون» انجام شد. در این گزارش، برنامه چهار ساله میسیون آمریکایی برای زمین چنین آمده است: «در سال ۱۳۰۲ ساخت دو دربند منزل، سال ۱۳۰۳ مریضخانه‌ای به طرح مریضخانه‌های آمریکا، سال ۱۳۰۴ یک باب مدرسه عالی، ۱۳۰۵ چهار بند منزل برای مدیران و معلمان مدرسه» و در پایان آمده است: «اگر ساکنین محله پانچمار همراهی کنند کوچه و خیابان‌ها سنگ فرش و دروازه‌ای به خارج شهر باز شود خیلی خوب است» (فکر آزاد، سال اول، شماره ۵۳، ۳).

در همین خصوص در گزارش ۱ اسفند ۱۳۰۱ ش نظمیه مشهد آمده است که «هیأت روحانیون آمریکایی» در مشهد و در منطقه نادری قطعه زمینی به مساحت ۵۲۶۳۷ ذرع از چهار نفر به مبلغ ۲۳۹۲۹/۱۸ تومان خریداری کرده و قصد دارد بیمارستان، مدرسه و خانه سازمانی بسازد. بر اساس این گزارش اقدام فوق سبب اعتراض اهالی، بویژه علما شد و کارگزاری خارجی خراسان به دلیل اعتراضات صورت گرفته، حاضر به امضای قباله زمین‌های یاد شده به نام هیأت آمریکایی نشده، اما وزارت امور خارجه دستور داد کارگزاری، قباله زمین را امضا کند. با این اوصاف اعتراض‌ها همچنان ادامه یافت، آن‌گونه که در ادامه گزارش آمده است: «چند روز است بر ضد تاسیساتی که از طرف هیأت روحانیون آمریکایی می‌خواهد [ساخته] شود، از طرف عده‌ای تحریکاتی می‌کنند. با این که از طرف هیأت مزبور نوشته به آقایان علما داده شده است که در مشهد کلیسا نساوند معذالک هیأت علمیه [مشهد] متقاعد نشده جلساتی تشکیل و بر ضد عملیات روحانیون آمریکایی اوراق مفصلی مهور می‌نمایند». در پایان اداره نظمیه از ادامه این ماجرا و بروز دردسر اظهار نگرانی کرده است (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۹، پرونده ۱۶، ۴۷).

واکنش کمیته علمای مشهد به فعالیت تبلیغی هیأت پرس بی‌تریان

موضع‌گیری علمای مشهد نسبت به فعالیت هیأت پرس بی‌تریان در مشهد علاوه بر اینکه معلول تحرکات و اقدامات تبلیغی آن هیأت بود، به اوضاع علمای شیعه در سال ۱۳۰۱ ش نیز مربوط بود. علمای شیعی فارغ از تاثیر فعالیت و برنامه‌های هیأت پرس بی‌تریان در این زمان انسجام بیشتری داشتند. علمای تهران در ۱۴ آبان ۱۳۰۱ ش سعی کردند قدرت خود را که در سال‌های بعد از مشروطه تضعیف شده بود، احیاء کنند. آنها در مساجد مردم را دور خود جمع کرده، خواستار منع فروش مشروبات الکلی و بستن اماکن تفریحی

مانند سالن تئاتر و موسیقی بودند (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۴۳۷). چند ماه پس از آن علمای مشهد نیز نسبت به این مسائل واکنش نشان دادند و «کمیته علمای مشهد» متشکل از: میرزا مرتضی یزدی، حاجی حسین قمی، شیخ محمد نهاوندی^۱، شیخ علی اکبر نهاوندی^۲، سید صدرالدین، حاجی ملاهاشم، حاجی سید عباس شاهرودی، سید رضا قوچانی و شیخ حسن کاظمینی تشکیل شد و برخی از اهداف این کمیته در ۶ اسفند ۱۳۰۱ ش اعلام شد: کسب اطلاع دائمی از وقایع سیاسی جهان اسلام، جلوگیری از اعمال ضد تعالیم اسلام از قبیل نوشیدن مشروب، بی حجابی زنان و حضور در نمایش های تئاتری و غیره بود (همان، ۴۶۳). تقارن این دو مساله باعث شد علمای مشهد نسبت به فعالیت هیات پرس بی تریان در ساخت بناها، برنامه های آموزشی و ساخت کلیسا نیز واکنش جدی نشان دهند که اخبار آن فراتر از مشهد، در شهرهایی نظیر تبریز و اردبیل منتشر شد و وزارتخانه های مختلفی را درگیر این مساله کرد.

کنسولگری انگلیس در گزارش هفته منتهی به ۶ اسفند ۱۳۰۱ ش آورده است که در ملاقات علما مقررات مربوط به خرید زمین به وسیله هیات های مبلغ مذهبی مورد تأیید قرار نگرفت و نامه هایی به والی موقت، کارگزار و امیر لشکر نوشته شد و والی در پاسخ قول داد که نظر علما را به تهران مخابره کند. اگر چه درخواست علما در این نامه ها مشخص نیست ولی از پاسخ والی می توان دریافت که آنان خواستار ابطال اسناد مهر خورده و امضا شده به وسیله کارگزار و آفازاده بودند که والی آن را کار آسانی تلقی نمی کرد (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۴۶۵). تلگراف تعدادی از روحانیون مشهد برای رضاخان، وزیر جنگ، در ۳ اسفند ۱۳۰۱ ش نشان می دهد این علما ضمن تشریح اقدامات هیات آمریکایی، فعالیت های آنان را «موجب تقویت کفر و تضعیف اسلام» و برانگیختن هیجان عمومی مردم منطقه دانسته اند و از وزیر جنگ خواسته اند: «از پیشرفت این مقصود فتنه خیز جلوگیری فرمایید» (اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده ۱۰، ۳۴). وزارت جنگ در پاسخ به نامه علمای مشهد، در ۷ اسفند ۱۳۰۱ ش از حسین خزاعی امیر لشکر شرق، خواستار تحقیق درباره موضوع و روشن کردن نحوه فعالیت آن موسسه شد. در پاسخ به نامه فوق در ۸ اسفند ۱۳۰۱ ش آمده است: «آمریکایی ها در حدود خیابان علیا، پشت مقبره

۱ - آیت الله حاج شیخ محمد نهاوندی متخلص به تجلی فرزند علامه میرزا عبدالرحیم از علما و مفسرین و مدرسین آستان قدس رضوی بود و او را زین العلماء و المفسرین می گفتند. وی پانزدهم رجب ۱۲۹۱ ق در نجف متولد شد و در آنجا از محضر آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی استفاده برد و در سال ۱۳۲۹ ق به مشهد بازگشت و پس از ارتحال برادرش حسن نهاوندی زمام امور شرعی مشهد را به عهده گرفت و در مدرسه میرزا جعفر تدریس می کرد. وی در ۲۵ ربیع الآخر ۱۳۷۱ ق درگذشت و در حرم مطهر رضوی مدفون گردید (جلالی، ۱/ ۴۹۷-۴۹۹).

۲ - حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در سال ۱۲۷۸ ق/ ۱۲۳۷ ش. فرزند شیخ حسین نهاوندی در نهاوند متولد شد. وی در سال ۱۳۲۸ ق. به مشهد آمد و ۱۲ سال در مسجد گوهرشاد به ارشاد مردم پرداخت. او چهل سال تمام ریاست دینی خراسان را برعهده داشت و در ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۶۹ ق/ ۱۸ بهمن ۱۳۲۸ ش. در ۹۰ سالگی در مشهد درگذشت (همو، ۱/ ۴۸۹-۴۹۲).

نادرشاه چهل هزار ذرع اراضی به امضای آیت الله زاده خراسانی ابتیاع و خیال ساختمان مفصلی از قبیل مدرسه و غیره دارند ولی حجت الاسلام آقای حاجی آقا حسین قمی و سایر آقایان علمای محترم اجماعاً با ابتیاع و ساختمان اراضی مخالف‌اند و همه روزه جلسات عدیده دارند. نظریه بنده هم این است که به کلی جلوگیری بشود» (همان، ۳۲).

مخالفت با فعالیت مسیون آمریکایی در روزهای آغازین سال ۱۳۰۲ ش ادامه یافت و روحانیون در مراجعه به امیر لشکر شرق ضمن یادآوری اهمیت مساله، نسبت به بروز واکنش‌های شدید مردم هشدار دادند. خزاعی در نامه ۱۰ فروردین ۱۳۰۲ ش خواسته علما را به وزارت جنگ منعکس کرد. در این نامه اسامی علمای مراجعه کننده که از هیات علمیه مشهد بودند، بدین شرح آمده است: «آقایان سید مرتضی یزدی، سید حسین قمی، شیخ مرتضی خراسانی، شیخ محمد قوچانی، شیخ محمد نهاوندی، سید عباس قوچانی، حاجی میرزا محمدباقر مدرس و حاجی ملاهاشم». بیشتر این علما عضو کمیته علمای مشهد بودند و انسجام آنها در این زمان بر این مساله موثر بود و به موفقیت آنان کمک کرد. خزاعی در ادامه به هشدار علما چنین اشاره کرده است: «چنانچه سریعاً جلوگیری نشود جدیت و حرارت سایر طبقات بر منع موسسات آنها موجب فساد عظیم خواهد شد». وزارت جنگ در پاسخ به نامه خزاعی آن را از دایره اختیارات خود خارج دانست و نوشت: «من و شما تکلیفی نداریم. در صورتی که اعتراض دارند مستقیماً به رئیس دولت مراجعه نمایند» (اسناد موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، سال ۱۳۰۲، پرونده ۱۰۵، ۷۶).

رابطه علمای مشهد با یکدیگر و مخالفت با هیات پرس بی‌تریان

رابطه علمای مشهد با یکدیگر نیز می‌توانست موثر بر واکنش «هیات علمای مشهد» باشد. رابطه کمیته علمای مشهد با روحانیونی نظیر آیت الله زاده خراسانی که قرارداد فروش زمین در «محضر» وی تنظیم شد، از دیگر نکات قابل توجه در این زمینه است. اگرچه رویارویی مستقیمی در این زمینه بین علما گزارش نشده، ولی شواهد مختلفی وجود دو گروه و جریان فکری متفاوت بین علمای مشهد را نسبت به رویدادهای اوایل دوره رضاشاه نشان می‌دهد.

وجود حدود سه هزار روحانی در مشهد باعث شده بود این گروه قدرت و نفوذ سیاسی فراوانی داشته باشند (آقابکوف، ۱۱۳) و هرکدام از روحانیون طراز اول پیروانی داشتند. سردار اسعد بختیاری که در سال ۱۳۰۲ ش والی خراسان شد، علمای بانفوذ و درجه اول مشهد را آقازاده پسر مرحوم آیت الله آخوند

خراسانی و آقا حسین قمی نامبرده و تاکید کرده «آقازاده خیلی نفوذ دارد» (سردار اسعد، ۹۲). سردار اسعد سپس در جایی دیگر درباره روحانیون شاخص نوشته است: «در خراسان یعنی مشهد علمای بزرگ مرکب است از آیت الله زاده خراسانی، آقا سیدحسین قمی و فاضل» (همو، ۹۵).

علمای بزرگ مشهد در قبال برخی حوادث و رویدادها نظیر مخالفت با فعالیت استعماری بریتانیا در عراق و شروع سلطنت رضاشاه دیدگاه‌های متفاوتی داشتند و دیدگاه آیت‌الله‌زاده با سایر علمای مشهد متفاوت بود و این مساله در مورد فعالیت هیات پرس بی‌تریان نیز مصداق پیدا می‌کند. در منابع هیچ اشاره‌ای به مخالفت آیت‌الله‌زاده با فعالیت تبلیغی این هیات نشده است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که همچون برخی دیگر از مسائل وی اتفاق نظری با سایر علمای مشهد نداشته است. کنسولگری انگلیس در گزارش ۶ اسفند ۱۳۰۱ ش با معرفی کمیته علمای مشهد که هسته اصلی مخالفت با هیات پرس بی‌تریان هم بود، ضمن بیان اهداف آنها بطور صریح نوشته است: «می‌گویند آقازاده از تصمیمات این کمیته حمایت چندان گرمی نکرده است» (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۴۶۲).

واکنش نسبت به اخراج علمای شیعی از عراق، انتخابات مشهد، تغییر سلطنت و تحریم عید نوروز از دیگر مسائلی بود که آیت‌الله‌زاده با برخی دیگر از علمای مشهد اختلاف نظر داشت. وقتی خبر مهاجرت اجباری عده‌ای از علمای شیعه از عراق توسط بریتانیا در تیرماه ۱۳۰۲ ش به مشهد رسید، باعث ایجاد هیجان در میان علمای این شهر شد و آنها در گردهمایی خود خواستار برگزاری راهپیمایی شدند ولی آقازاده و قائم مقام‌التولیه کوشیدند مردم را آرام کنند و تشویق کنند که دست به اقدامی نزنند (همان، ۴۹۷). با شروع تظاهرات در مشهد، کنسول انگلیس رهبری تظاهرکنندگان را علمایی چون حاج حسین آقا قمی معرفی کرد و در گروه مقابل، برقراری آرامش را مدیون آقازاده و حاجی شیخ حسن کاشی و حاجی شیخ محمدعلی فاضل دانست و در تشریح موضع حاجی محمدعلی فاضل نوشته وی اصلاحاً در تظاهرات شرکت نکرد و بی‌پرده به یکی از سازمان‌دهندگان گفت در کربلا به چشم خود دیده که علما در کار حکومت دخالت می‌کنند و برای خودشان دردسر درست می‌کنند (همان، ۵۰۶). براساس همین عملکرد بود که آقازاده از طرف مردم به طرفداری از انگلیس و دریافت رشوه از کنسولگری آن متهم شد (متولی حقیقی، ۱۸۷). آیت‌الله‌زاده سپس در ملاقات با کنسول انگلیس اعلام آمادگی کرد حاضر است «آشکارا به نفع انگلیسی‌ها فعالیت کند» (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۵۳۷).

در ادامه این مساله که مرتبط با سیاست بریتانیا در عراق بود، همزمان با عید نوروز ۱۳۰۳ ش آیت‌الله خالصی از مهمترین علمای تبعیدی توسط انگلیسی‌ها که مقیم مشهد شده بود و علیه انگلیسی‌ها اقدام

می‌نمود، اعلام کرد برای نوروز و تولد حضرت قائم(ع) که هر دو مصادف با اول بهار بود، عید گرفتن حرام است، اما رضاخان، وزیر جنگ که در پی برنامه‌های تثبیت سلطنت خود بود اعلام نمود باید عید گرفته شود (سردار اسعد، ۱۱۰-۱۱۱) و برخی از علمای مشهد مثل آیت‌الله‌زاده در همسویی با رضاخان با این فتوای آیت‌الله خالصی‌زاده مخالفت کردند (متولی حقیقی، ۱۹۵).

همچنین در تابستان ۱۳۰۲ ش که مساله انتخابات مشهد مطرح شد و گروهی از مردم نسبت به نامزدی احمد قوام السلطنه و حسن ملک اعتراض کردند، باز هم رجالی همچون آیت‌الله‌زاده در همراهی با سردار اسعد به انتخاب ناظران طرفدار قوام السلطنه متهم شدند و گروهی از مردم مشهد به رهبری آیت‌الله‌زاده طی نامه‌ای به رضاخان از خزاعی فرمانده لشکر و برگزاری انتخابات حمایت کردند (همو، ۱۸۹). یکی دیگر از مسائل، واکنش به خبر تغییر سلطنت در آبان ۱۳۰۴ ش بود. آیت‌الله میرزا محمد آقازاده و برادرش میرزا مهدی در جشن تاجگذاری رضاشاه حضوری فعال داشتند در حالی که حاج حسین آقا طباطبایی قمی تغییر سلطنت را تبریک نگفت (همو، ۲۱۵). با این اختلاف دیدگاه بین آیت‌الله‌زاده و برخی از علمای دیگر نظری فاضل با بسیاری از علمای مهم مشهد نظیر حاج حسین قمی و آیت‌الله خالصی مشخص می‌شود چرا در حالی که کمیته علمای مشهد به شدت مخالف با فروش زمین به هیات پرس بی‌تریان بودند ولی این قرارداد در «محضر» آیت‌الله‌زاده به ثبت رسید و وی هیچ واکنشی به این مساله نشان نداد.

پیگیری خواسته‌های علما توسط کارگزاری خارجه

کارگزاری وزارت خارجه در مشهد یکی دیگر از ادارات مهم و تاثیرگذار در حل و فصل مسائل اتباع خارجی بود که نقش واسطه در انتقال واکنش علمای شیعه ایفاء کرد و مکاتبات زیادی برای حل این مساله با وزارت خارجه انجام داد. مقرب السلطنه، کارگزار وزارت خارجه، در نامه ۷ اسفند ۱۳۰۱ ش با اشاره به امضای قباله زمین‌های خریداری شده توسط آن کارگزاری به پیامدهای آن و بروز واکنش توسط مردم و مطبوعات پرداخته است. در نامه به مقاله روزنامه فکر آزاد (۶ اسفند) که حاکی از هیجان ایجاد شده بین اهالی و علمای مشهد بود، استناد و یادآور شده «حوزه علمیه مشهد شدیداً بنای اعتراض و شکایت را گذاشتند». وی در ادامه ضمن یادآوری هشدارهای قبلی خود نسبت به این مساله آورده است «اقدام میسیون آمریکایی در ترویج مذهب و خریدن اراضی و تاسیسات مریضخانه و مدرسه و کلیسا در شهر مشهد... مآلاً زحمت بزرگی برای دولت تولید خواهد کرد» و ضمن توصیه به وزارت امور خارجه جهت مذاکره با سفارت آمریکا در این خصوص، آن هم پیش از شروع عملیات ساختمانی تاکید کرد که

حساسیت مجاورین و زائرین مشهد نسبت به این گونه مسائل به آنها گوشزد شود تا بساط ترویج مذهب را جمع کنند (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۹، پرونده ۱۶، ۸).

مقرب السلطنه در ۲۱ اسفند ۱۳۰۱ ش بار دیگر طی نامه‌ای نوشت: «میسون آمریکایی در مشهد باطنه مشغول ترویج [مذهب] هستند. اهالی به علما فشار آورده و هیات علمیه هم جلد از کفیل ایالت و کارگزاری، منع آمریکایی‌ها را در ترویج مذهب و ساختمان در اراضی» خواسته‌اند. وی ضمن انعکاس مخالفت علما آورده «چند روز پیش از طرف هیات علمیه مخصوصه آقای قمی و شاهرودی و کاظمینی اقدام کرده، خواسته بودند اجتماع بروند ممانعت نمایند... کفیل ایالت به مواعظ حسنه و مواعید قطعیه در موقوف شدن آن از طرف دولت آنها را» از این کار بازداشت (اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، پرونده ۱۰، ۲۶).

قائم مقام التولیه^۱ نیز برای اثبات وقفی بودن زمین‌های هیات تبشیری آمریکایی وقف‌نامه زمین‌های خریداری شده را به وزارت امور خارجه فرستاد و نوشت «اقدامات شرکت پرس بی‌تریان آمریکایی در خرید اراضی و خیال ساختن مدرسه و کنیسه [کلیسا] در این شهر مقدس» که هیجان عمومی را در پی داشته، با وقف بودن اراضی باطل است. او با ضمیمه نمودن وقف‌نامه ابراز داشت «با سفارت آمریکا مذاکره فرمائید که این زمین و قنات محکوم به وقفیت است... و اولیای آستان قدس بر حسب وقفیت و حکم تمام علمای اعلام» زمین‌ها را تصرف خواهد کرد (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۹، پرونده ۱۶، ۴۲). در پی اعتراضات مستمر روحانیون مشهد به خرید زمین و ساخت تاسیسات مذهبی و کشیده شدن موضوع به ارکان تصمیم‌گیرنده دولتی، وزارت امور خارجه با سفیر آمریکا در تهران وارد مذاکره شد و نتیجه این گفتگو در وهله اول منجر به توقف ساخت کلیسا شد و بنای مدرسه نیز موقوف به اجازه وزارت معارف گردید و آمریکایی‌ها اجازه خواستند که فقط خانه‌های شخصی خود را بنا و بازسازی کنند (همان، ۳۸-۳۹). از قرار معلوم در مشهد نیز تلاش برای فیصله دادن به موضوع صورت گرفته بود و کارگزار مشهد در راستای آرام کردن اوضاع به توافق اجمالی با علما رسیده بود. مقرب السلطنه در ۲۴ فروردین طی نامه‌ای به وزارت امور خارجه در پاسخ تذکرات ذکاءالملک نوشت لزومی ندارد سفارت آمریکا از بابت نساختن کلیسا در مشهد متنی بر سر وزارت خارجه بگذارد. این توافق قبلاً با فروشنده زمین شیخ مهدی به عمل

۱ - حاجی میرزا محمد علی رضوی، قائم مقام التولیه متولد ۱۲۷۳ق. و متوفی جمادی الاولی ۱۳۵۷ق. ابتدا به مقام صدر دفترخانه آستان قدس و سپس به مقام و منصب قائم مقام التولیه و بعد به نیابت تولیت رسید. وی به واسطه ننگ قرض‌داری آستان قدس، اداره امور آستان قدس را از وضع سیاق نویسی مستوفیان سابق به شکل اداری درآورد و با کمک حسین آقاخان خزاعی فرمانده لشکر خراسان و همکاری سلطان اسماعیل خان دیلمی که توسط فرمانده لشکر معرفی شده بود پایه گذار اداره نوین آستان قدس شد (ولایی، ۲-۱۰۱).

آمده بود. وی نوشت: «علمای مشهد را راضی کردم که هیات آمریکایی بیمارستان را بسازد، اما به این شرط که ترویج مذهب نکنند. فقط حرف علما در ساختن مدرسه است که می‌گویند عقاید اطفال و جوانان مسلمان را تدریجاً در مدرسه فاسد می‌کنند و نباید بسازند. وی در پایان افزود که با آمریکایی‌ها بسیار راه آمده، اما برای این که علما را از خود دور نکرده باشم حفظ ظاهر می‌کنم» (همان، ۶).

علمای مشهد همچنان پی‌گیر اقدامات خود علیه هیات تبشیری آمریکایی بودند. آنها مکاتبه با کارگزاران را ادامه دادند و ۱۰ نفر از آنها در ۱۵ خرداد ۱۳۰۲ ش نامه دیگری به کارگزاری نوشتند و ضمن اعلام رضایت از اقدامات وزارت امور خارجه خواستار برخورد قاطع آن وزارتخانه با هیات تبشیری شدند تا در آینده فعالیت‌های تبلیغی این هیات در مشهد تجدید نشود. در این راستا آنها همچنین خواستار اخذ نوشته‌ای از آمریکایی‌ها که سندیت داشته باشد، بودند (اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، کارتن ۹، پرونده ۱۶، ۲۸، ۲۹).

وزارت امور خارجه به سبب شکایت‌های متعدد، از سفارت آمریکا خواست در آن قسمت از زمین‌های خریداری شده که وقف است، ساخت و ساز نکند. ناگفته نماند که کارگزاری خارجه خراسان از هراس اینکه به صرف این ادعاها نتوان سفارت آمریکا را قانع کرد، از وزارت امور خارجه خواست هرچه زودتر وقفی بودن زمین را به اثبات برساند. در نهایت اسناد تولیت آستان قدس مبنی بر وقفی بودن زمین‌های یادشده در ۲۶ شهریور ۱۳۰۲ ش برای سفارت آمریکا فرستاده شد و در همین راستا بررسی مساله وقف ادامه یافت و محکمه بدوی عدلیه رای بر وقفی و غیرقابل تصرف بودن آن داد، اما آمریکایی‌ها به ساخت و ساز خود ادامه دادند و برای آوردن مصالح خواستار افتتاح دروازه جدیدی در شمال حصار شهر مشهد شدند و با حاکم خراسان مذاکره کردند (همان، ۲۲).

واکنش علمای شیعه، میسیون آمریکایی مشهد را به عقب نشینی واداشت بطوری که ناچار شد فعالیت‌های خود را صرفاً در زمینه خدمات اجتماعی و پزشکی محدود کند و تا چند دهه بعد موفق به تبلیغ مستقیم مسیحیت نشد و به ناچار سعی کرد در قالب خدمات اجتماعی و پزشکی به شکل غیرمستقیم جایگاه خود را حفظ کند. حضور فعال میسیون پرس بی‌تریان در کمک به زلزله زدگان تربت حیدریه در خرداد ۱۳۰۲ ش از جمله کمک ۵۰۰۰ دلاری (فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی، ۴۹۵) به زلزله زدگان و نیز کمک به رسیدگی و مداوای بیماران جذامیخانه محرابخان از طریق اعزام پزشک، ارسال دارو و تجهیز جذامیخانه^۱ در راستای این سیاست صورت گرفت. این عملکرد به تدریج سبب توجه مجدد عموم به

۱ - دکتر استاکر پزشک انگلیسی و بعد جانشین ایشان دکتر لیختوارد پزشک آمریکایی و دکتر هوفمان به همراهی معاونین ایرانی و هندی‌اش هفته‌ای یک مرتبه به قلعه کهنه محراب خان می‌رفتند و روغن چالموگرا به مبتلایان تزریق می‌کردند (آفتاب شرقی، سال چهارم، شماره ۱۳، ۴).

فعالیت‌های انسان دوستانه میسیون آمریکایی شد. به دنبال این‌گونه فعالیت‌ها بود که میسیون آمریکایی توانست در ۱۳۰۲ش ساخت مدرسه پسرانه‌ای را شروع کند (مهر منیر، شماره ۲۸، سال سوم، ۱) و در ۱۳۰۳ش با کمک مالی انجمن مذهبی ایالت ایوا، مریضخانه جدیدی که بعدها به بیمارستان آمریکایی-مسیحی مشهد مشهور شد،^۱ در محله پاچنار بسازد.

هیات تبشیری پرس‌بی تریان پس از مشهد حوزه فعالیت تبلیغی خود را به دیگر شهرهای خراسان گسترش داد. این هیات در دوره رضاشاه علاوه بر مشهد، شهرهای سبزوار^۲ و درگز را نیز مورد توجه قرار داد.

تغییر شیوه‌های واکنش علما

شیوه واکنش علما به تبلیغات هیات تبشیری پرس‌بی تریان تا سال ۱۳۰۶ش خشن‌تر و با احتمال برخورد فیزیکی و هیجان عمومی بود، ولی پس از آن علمایی نظیر نوغانی شیوه مناظره را برای مخالفت با میسیون آمریکایی مشهد برگزیدند. پیش از پرداختن به این شیوه قدیمی و اصیل ابراز مخالفت باید به تغییر شرایط سیاسی در دوره رضاشاه اشاره کرد که منجر به بکارگیری این شیوه از سوی برخی از علما شد.

در اول شهریور ۱۳۰۶ش مهدی قلی‌خان مخبرالسلطنه هدایت، نخست وزیر وقت ایران، شاید پس از حرکت ضد حکومتی حاج آقا نورالله اصفهانی در سال ۱۳۰۶ش، ابلاغیه‌ای درباره منع امر به معروف و نهی از منکر صادر کرد که بیش از همه واکنش علمای مشهد را به دنبال داشت. در این ابلاغیه مسأله امر به معروف و نهی از منکر اقدامی در جهت تشویش اذهان عمومی و ایجاد اختلاف و نفاق، معرفی و آمرین به آن تلویحاً خائن به مملکت و مذهب معرفی شده بودند. این ابلاغیه علاوه بر خیانت، عنوان مفسد فی-الارض هم به آمرین به معروف و ناهیان از منکر داد و آنها را تهدید به تعقیب کرد. علمای مشهد طی تلگرافی به نخست وزیر نسبت به صدور این ابلاغیه واکنش نشان دادند و متذکر شدند دولت نه تنها توجه به دین و اصول و فروع آن را وظیفه خود نمی‌داند بلکه آن را به راحتی در ردیف امور متوسط هم قرار نداده

۱ - اسم کامل این مرکز درمانی عبارت بود از «بیمارستان و مدرسه پرستاری میسیونری مسیحی آمریکایی» در متن کاشی کاری سر درب آن در زمینه آبی و به خط فارسی و انگلیسی نوشته شده بود. American Christian Missionary Hospital and Nursing School (رادمنش، ۱۶۶).

۲ در همین ارتباط محمد علی رکنی، حاکم سبزوار، در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ش. طی نامه‌ای به کفیل ایالت خراسان، او را از فعالیت‌های تبشیری مستر مولر آمریکایی مطلع کرد. فعالیت تبلیغی مولر در سبزوار ابتدا از سوی نظمی به مخالفت مواجه شد و از فروش کتب مسیحی ممانعت به عمل آوردند. ادامه فعالیت تبلیغی مولر مخالفت علمای سبزوار را نیز برانگیخت و آنان به سبب فروش کتاب‌های مقدس و تبلیغ آیین مسیحیت توسط مولر با حضور و فعالیتش در سبزوار مخالفت کردند، تا آنجا که رکنی ناچار شد «برای جلوگیری از تشنج» زمینه خروج وی را از سبزوار فراهم ساخت. هشت ماه بعد، در اواخر دی ۱۳۰۵ش. مرحله دیگری از فعالیت تبلیغی این هیات تبشیری در سبزوار آغاز شد. براساس نامه حاکم سبزوار در ۲۷ بهمن ۱۳۰۵ش. به وزارت داخله، اقامت مبلغان آمریکایی در سبزوار یک ماه به طول انجامید (سازمان اسناد ملی، ۱-۲۹۰۰۳۰۸۰۳۳).

است. آنها به انواع منکرات و مظاهر غیراسلامی و غیرشرعی که در جامعه رواج یافته بود اشاره کرده، مصادیقی هم برای آن برشمردند. علمای متعددی این تلگراف را امضا کردند که برخی نظیر حاج آقا حسین طباطبایی قمی، محمد هاشم قزوینی، شیخ علی اکبر نهایندی و شیخ محمد نهایندی جزو «کمیته علمای مشهد» و از «هیات علمیه مشهد» بودند که مخالف جدی فعالیت هیات تبشیری آمریکایی در سال ۱۳۰۲ ش بودند. از سوی دیگر شاید ناکامی حرکت ضد حکومتی حاج آقا نورالله اصفهانی در سال ۱۳۰۶ ش علمای مشهد را به این نتیجه رساند که شیوه نهی از منکر را باید تغییر دهند. لازم به ذکر است که حاج آقا نورالله اصفهانی یکی از مهمترین روحانیون مخالف با فعالیت هیات پرس بی‌تریان در مشهد بود و در سفر کوتاه خود در سال ۱۳۰۲ ش به مشهد سخنرانی‌هایی علیه این هیات تبشیری انجام داد.

با تغییر شرایط سیاسی در کشور و تحکیم حکومت رضاشاه محدودیت‌های تبلیغات هیات تبشیری آمریکایی نیز بطور رسمی و غیررسمی بیشتر شد و حتی به صورت دستورالعمل اداری درآمد. وزارت معارف و اوقاف بالاخره در خصوص جلوگیری از فعالیت دعوات و مبلغین خارجی با نمره ۲۸۹۱۹/۷۳۶۳ مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۱۶ ش بخشنامه‌ای منتشر کرد. این بخشنامه بیشتر به صورت کلی بود و راهکاری برای آن در نظر گرفته نشده بود به همین جهت، در ۵ فروردین ۱۳۱۰ ش اداره اوقاف خراسان طی نامه‌ای به وزارت معارف و اوقاف، از تداوم تبلیغ مسیحیت در مدرسه و مریضخانه آمریکایی مشهد یاد کرد و در نامه از آن وزارتخانه پرسید «اگر هیات تبشیری آمریکایی با ابلاغ این دستور باز هم از تبلیغ خودداری نکردند وظیفه اداره معارف برای جلوگیری تا چه حد است و با چه وسیله‌ای باید جلوگیری کرد؟» (همان، ۲۸۹۱۹/۷۳۶۳/۲). این بخشنامه رسمی از بروز واکنش‌های عمومی و هیجاناتی علیه مبلغین خارجی که ممکن بود امنیت کشور را تهدید کند، جلوگیری می‌کرد. از این رو شیوه واکنش و مقابله علما در مخالفت با فعالیت هیات پرس بی‌تریان آمریکایی در مشهد به تدریج تغییر کرد و به شیوه مسالمت‌آمیز مناظره تبدیل گردید که آیت الله نوغانی کامل‌ترین نمونه آن بود.

مناظرات آیت الله نوغانی با مبلغان آمریکایی

واکنش علمای مشهد و سبزواری به فعالیت میسیونرهای مسیحی ابتدا از طریق کنترل و تحریک هیجان و احساسات مذهبی بود ولی با سقوط حکومت قاجار، رضاشاه توانست اوضاع داخلی را با توان نظامی تحت کنترل درآورد و مانع از نقش فعال علما شود. به همین جهت برخی از علما از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز به مقابله با فعالیت تبلیغی هیات پرس بی‌تریان پرداختند و مرحله تازه‌ای از واکنش علما به فعالیت این هیات تبشیری را آغاز کردند. این شیوه در سال ۱۳۰۹ ش توسط آیت الله نوغانی، یکی از علمای

برجسته مشهد، بطور جدی عملی شد. این مرحله از واکنش از لحاظ شیوه متفاوت بود و نوغانی با بهره-گیری از رديه نويسی^۱ و مناظره^۲ با کشیش های هیات تبشیری سبک جدیدی از مخالفت با فعالیت مذهبی میسیون آمریکایی را آغاز نمود. او از معدود علمایی است که کتابی در مقابله با فعالیت پرسبی-تریان در مشهد نوشت. نوغانی روحانی صالح، معتقد و مروج مذهب جعفری و در صنف خود کم نظیر و مبارزی قوی با معاندین دین مبین اسلام معرفی شده که علاوه بر تحصیلات دینی، در علم مناظره ید طولایی داشته و مدت ها با علمای نصارا و مسالکی که در ایران پیدا شده بود، مناظرات مذهبی و علمی کرد و بر تمام آنها فائق آمد و عده زیادی که در پرتگاه انحراف دینی بودند با بیانات شیوا و مبانی علمی او از لغزش نجات پیدا کردند (خراسان، شماره ۴۹۲، سال دوم، ۲).

نوغانی کتاب سه مقاله خود را در صفر ۱۳۴۹ق/۱۳۰۹ش همزمان با اوج فعالیت میسیونرهای آمریکایی در مشهد نوشت. موضوع این کتاب رد بر مذاهب غیر اسلام و اثبات مذهب مقدس اسلام بود (آفتاب شرق، شماره ۲۵۹۹، سال بیست و ششم، ۴) میرزا به درخواست برخی از بزرگان، سه مقاله را در نقد و بررسی مقالات ماتریالیسیها، مسیحیان و مسلمانان نوشت (جلالی، ۴۸۴) که در واقع بازتابی از چالش های مذهبی عصر اوست و گویا برای آشنایی طلاب و علما با نحوه مناظره و مباحثه در مقابل مبلغان دینی به ویژه مسیحیان تدوین شده است و در قالب مباحثه میان سه مسافر (یکی مسلمان، یکی طبیعی و دیگری نصرانی) که از تهران با اتومبیل عازم شیراز بودند و در منازل مختلف با یکدیگر گفتگو و مناظره می-کردند، مطرح شده است. نوغانی در این کتاب عمده مناظرات و مباحثات واقعی خود با میسیونرهای آمریکایی مشهد را در قالب گفت و گوی میان مسافر مسلمان و مسافر نصرانی بیان می کند. در اینجا مراد او از نصرانی، میسیونرهای آمریکایی مشهد و مقصود از مسلمان خودش است.

در این کتاب وضعیت تبلیغات بهائیان و مسیحیان آمریکایی مشهد به وضوح روشن شده است. نوغانی که از قرار معلوم مناظره و گفتگوی طرفینی را بر هرگونه مقابله دیگر در برابر مبلغان مذهبی ترجیح می دهد، در کتاب سه مقاله در لابلای مناظرات مسافران، تجربیات شخصی خود را در برابر مبلغان مسیحی مشهد

۱ - پیشتر در اواخر دوره صفویه ملاطهر تفرشی رديه ای به نام نصره الحق، علیقلی جدیدالاسلام رديه ای به نام هدایه الضالین و تقویه المومنین و احمد عاملی رديه مصقل الصفا در رد آینه حق نما جهت مقابله با مبلغان مسیحی نوشته بودند (امین، ۱۸۰-۱۸۱).

۲ - حاج میرزا علی اکبر نوغانی پسر حاج میرزا موسی سال ۱۳۰۰ق. در محله نوغان مشهد متولد شد. تا ۲۷ سالگی در مشهد مشغول تحصیل بود و ادبیات را نزد میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و دروس سطح فقه و اصول را در محضر حاج شیخ حسنعلی تهرانی ساکن مشهد و حاج سید عباس شاهرودی خواند. به منظور تکمیل تحصیل به نجف اشرف رفت و در سال ۱۳۳۰ق. پس از تکمیل تحصیل با اخذ اجازه اجتهاد از آیت الله محمد تقی شیرازی و آیت الله حاج شیخ عبدالله مازندرانی به مشهد بازگشت. وی در شب شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۲۹ش. سکنه کرد (خراسان، شماره ۴۸۴، سال دوم، ۴).

نیز بیان می‌کند. از جمله این موارد گفتگوی وی با یک ایرانی مسیحی شاغل در مریضخانه آمریکایی مشهد است. مسیحی مورد نظر ایرانی اهل همدان بوده که از شش سالگی در مدرسه آمریکائی تحصیل کرده و مسیحی شده بود. نوغانی در ۱۳۰۶ ش در مشهد با او ملاقات و او را به قبول اسلام دعوت کرد (نوغانی، ۱۸). نوغانی در جای دیگری از کتاب در قالب یک حکایت، ماجرای مناظره‌اش با کشیش آمریکایی مریضخانه مشهد را آورده است. در این مناظره، او با بیان حکایت حضرت لوط توانست وی را شکست دهد، ولی کشیش با وجود شکست بر ادعاهای خود اصرار می‌ورزید، از اینرو نوغانی در ادامه می‌نویسد: «عجبا با این الزام از مرام و تبلیغات خود منصرف نمی‌شوند. کتاب‌های آنها در بلاد و قری مجانی میان مسلمین تقسیم می‌شود. تورات و انجیلی که شنیدید چه جسارت‌ها به ساحت مقدسه انبیاء دارد به اهل قرآن می‌دهند و هیچ شرمنده نیستند» (همو، ۸۴). در جای دیگری از کتاب در لابلای گفتگوها و مناظره‌های نصرانی با مسلمان، از مناظره خود با کشیش آمریکائی که دو سال قبل (۱۳۰۷ ش) روی داده است، بحث می‌کند. ماجرا از این قرار است که نوغانی به اتفاق دو تن از دوستان مشهدی و سبزواری خود وارد مریضخانه آمریکایی مشهد شده، با کشیش و مبلغ رسمی مریضخانه که چهل سال داشت، درباره علل پذیرش مسیحیت و ارائه دلیل و برهان بر انحصار نبوت بر حضرت عیسی بحث کرد. نوغانی بر اساس «فرمایشات حضرت ثامن الائمه علی ابن موسی الرضا(ع) در مجلس مامون با علمای یهود، نصاری و زردشتیان»، مناظره را پیش برد. کشیش آمریکایی که قادر به ارائه «دلیل محکمی» نبود «قدری عصبانی شد و آثار سفیدی لب و زردی رخسار ظاهر گردید» و مناظره این گونه به پایان رسید (همو، ۱۳۴-۱۴۲).

نوغانی در این کتاب به انتشار رساله‌های تبلیغی توسط هیات تبشیری اشاره کرده که اهم آنها عبارتند از: «رساله خدا یکیت»، «رساله آیه الکرسی»، «رساله فدیناه بذبح عظیم»، «رساله جوان طبال» و «رساله مردی که در شن زار فرو رفته». نوغانی در انتقاد از این رساله‌ها به بی‌خبری مولفان آنها از ضعف و سستی مطالب علمی و دینی آن اشاره کرده، از تهیدست بودن نصارا در فلسفه الهی یاد کرده است. به اذعان نوغانی، او چندین رساله در اختیار داشته و بر هر یک از آنها ردیه‌ای نوشته است و زمانی که برای مناظره با کشیش آمریکایی به مریضخانه یا دارالتبلیغ مشهد رفت، پیش از مناظره بعضی از آن رساله‌ها را به همراه ردیه خود به کشیش ارائه داد. کشیش فوراً رساله را گرفت و در دفتر خود با مداد یادداشت کرد و ایراد را پذیرفت.

در ادامه نوغانی بخشی از انتقادات خود را متوجه جامعه مسلمان مشهد و به ویژه علما می‌نماید و می‌نویسد: «بلی بی‌اعتنایی علمای اسلام آنها را در تبلیغات متجری نموده و سو آن این است که علمای اسلام

نظر علمی و برهانی به کشیش ها ندارند و آنها را اهل برهان نمی دانند و حاضر نیستند که آنها را اکفاه خود قرار دهند و در مناظرات علمی ببینند». نوغانی در پایان خطاب به علما و طلاب نوشته است: «امروز که دسایس مبلغین مذهبی قلوب ضعیفه را متزلزل می سازد، مردم را به نصرانیت دعوت می نماید، جوانان بی-سواد خام را به مقالات مادیین متمایل می گرداند و انتقادات عوام فریبانه ای نسبت به نوامیس مقدسه اسلام دارد، تکلیف مضاعف متوجه شما می شود. ای طلاب علوم دینی، ای اعضای دایره الهیه، ای مروجین شریعت خاتم النبیین، امروز تکلیف شما سکوت نیست، امروز شغل شما منحصر به نماز جماعت نیست، بلکه بزرگترین وظیفه این است که خود را با کمال جد و جهد برای دفاع از حوزه اسلامیه مهیا نمائید و به بیان حقایق دینیه و نشر احکام شریعت محمدیه (ص) پردازید» (همو، ۱۸۷). وی در پایان نیز توصیه ای ویژه به حجج اسلام دارد که اولاد روحانی خود و طلاب علوم دینی را علاوه بر علم شریف فقه، علم مناظره و تبلیغات تعلیم دهند و آنها را با اخلاق اسلامی تربیت نمایند و تاکید کرده «ای حجج اسلام امروز مبلغین فرق مختلف که نه بهره از علم و نه حظی از عمل دارند به درس های تبلیغی، اشخاص بی استعداد را با یک مشت خرافات، چیره بر نفوس مستعد می نمایند. نگذارید بیش از این سموم مهلک تبلیغات اجانب در هلاکت ابدی اهل دیانت کارگر شود» (همانجا).

کتاب سه مقاله بسیار بی طرفانه نوشته شده، به دور از هرگونه تعصب و لجاج است و در زمان نشر مورد ستایش مجامع علمی قرار گرفت. به درخواست حاج شیخ عبدالکریم حائری، صد جلد از این کتاب را به قم فرستادند و وی خطاب به فضالای قم گفته بود اگر خواستید کتاب بنویسید مثل این بنویسید (جلالی، ۴۸۴).

با فروکش کردن مخالفت ها، آمریکایی ها در زمینه آموزش مجوز تاسیس مدرسه را توسط هوگو مولر در سال تحصیلی ۱۳۱۱-۱۳۱۰ ش گرفتند و دعوت به پذیرش دانش آموز آغاز شد. هیات پرس بی تریان با وجود این مخالفت ها به فعالیت خود ادامه داد و رابطه بسیار خوبی با آستان قدس برقرار کرد و مدیریت جدامخانه محرابخان را برعهده گرفت. با تثبیت موقعیت بیمارستان آمریکایی، تاسیس آموزشگاه پرستاری مهم ترین حوزه علمی آموزشی کارکنان آن بیمارستان بود که در سال ۱۳۲۷ ش ایجاد شد. کنسولگری آمریکا در مشهد نیز بنا بر تصمیم سفارت آمریکا در تهران در مرداد سال ۱۳۲۸ ش تاسیس شد (ر.ک. نجف زاده، ۱۶۵-۱۷۵).

در زمینه تبلیغات مذهبی نیز تعداد ۱۴ نفر مسلمان که در ۱۳۰۰ ش مسیحی شده بودند، هسته اصلی کلیسای انجیلی مشهد را به وجود آوردند و میسیونرها دو کلیسا یکی در داخل بیمارستان آمریکایی و

دیگری کلیسای انجیلی مشهد در پشت باغ ملی ساختند (عظیم زاده تهرانی، ۲۱۸). با تلاش‌های این مسیونرها «جوانان کلیسای انجیلی مشهد» از سال ۱۳۴۱ ش بطور آشکار فعالیت کردند (نور ایران، شماره ۸۷۰، ۱)، ولی خیلی تأثیرگذار نبودند و نگرانی سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۹ ش دیگر تکرار نشد. آیت الله نوغانی نیز مبارزه علیه مبلغان آمریکایی را تا پایان عمر خود ادامه داد و در آخرین سال حیات خود در جریان درگذشت یکی از مؤمنین مشهدی در بیمارستان مسیحی-آمریکایی، بر منبر به مسئولین حکومتی تاخت و سید جلال الدین تهرانی، استاندار وقت خراسان، را به باد انتقاد گرفت. کتاب سه مقاله که مهمترین اثر نوغانی در زمینه مقابله با فعالیت تبلیغی هیات پرس‌بی‌تریان در مشهد است، تا زمان مرگ نوغانی در ۲۸ بهمن ۱۳۲۹ ش دوبار چاپ شد (خراسان، شماره ۴۹۲، سال دوم، ۲).

نتیجه‌گیری

در اواخر دوره قاجار و همزمان با وضعیت بد اقتصادی مشهد مقارن جنگ جهانی اول، مسیونرهای آمریکایی فعالیت خود را در مشهد آغاز و سپس تحت حمایت کنسولگری انگلیس سرعت دادند و از رخوت و بی‌توجهی عوامل حکومتی به شرایط اقتصادی و بهداشتی استفاده کرده، در مانگاهی ایجاد کردند که تحت پوشش آن به فعالیت تبلیغی نیز پرداختند. از ۱۳۰۱ ش که برنامه دراز مدت هیات پرس‌بی‌تریان آمریکایی در مشهد با خرید زمین برای ساخت کلیسا، مدرسه و بیمارستان، افشا شد و در مطبوعات انعکاس یافت، علما واکنش شدیدی به تبلیغات مسیونرهای پرس‌بی‌تریان نشان دادند. مخالفت آنان حول دو محور شکل گرفت: یکی جلوگیری از فعالیت‌های تبلیغی مسیحیت در شهر مقدس مشهد و دوم ساخت کلیسا در اراضی وقفی آستانه مقدسه. عوامل حکومتی پس از بروز واکنش از سوی علما تلاش‌هایی در جهت رفع غائله داشتند که علیرغم فقدان دستورالعمل معینی برای مقابله با تبلیغات مسیونرها به نتایج مثبتی رسید. با پیگیری‌های مجدانه علما در قالب نامه، تلگراف و سخنرانی، کارگزاران دولتی خراسان نظیر حاکم خراسان، کارگزار وزارت امور خارجه، امیر لشکر شرق و نظمیہ ناچار به رسیدگی شدند و با ارسال اخبار و گزارش‌ها به تهران خواستار اقدامی در جهت توقف فعالیت‌های تبلیغی مسیونرهای آمریکایی در مشهد شدند. این شیوه مقابله علما را می‌توان فشار اجتماعی با تکیه بر هیجان عمومی نامید که علما به خوبی از این پشتوانه مردمی بهره گرفتند و به نتیجه رسیدند.

با تثبیت حکومت رضاشاه دستورالعمل ممنوعیت فعالیت تبلیغی صادر شد و عوامل حکومتی نظیر نظمیہ، فرمانداری و اداره معارف، مامور کنترل و ممانعت از فعالیت‌های مذهبی مسیونرها شدند تا از واکنش علما و هیجان عمومی جلوگیری شود. از این پس در خراسان به جای بروز واکنش عمومی، علمای

دینی درصدد مناظره با میسیونرهای آمریکایی برآمدند و از این طریق به مخالفت با فعالیت تبلیغی آنان پرداختند. از سوی دیگر میسیونرها نیز پس از اعمال محدودیت قانونی تبلیغات دینی سعی کردند پنهانی در پوشش خدمات بهداشتی به تکاپوهای دینی خود ادامه دهند.

در سبزووار و مشهد علمای دینی ضمن مناظره با میسیونرهای آمریکایی به مخالفت با تبلیغات آنان پرداختند. میسیونرها از زمان محدودیت قانونی تبلیغات دینی تلاش کردند در قالب بیمارستان و مدارس به فعالیت خود ادامه دهند ولی باز علمایی نظیر نوغانی تا سالها به مقابله با میسیونرهای پرس بی‌تریان در مشهد پرداختند و با برگزاری مناظره‌ها و نوشتن ردیه‌هایی بر رساله‌های تبلیغی آنان، مبارزه کردند. نوغانی مهمترین روحانی مشهد است که با نگارش کتاب در قالب مناظره مسلمان و نصارا به بیان دیدگاه‌های اسلام و نقد نظریات مبلغان مسیحی پرداخت و حتی برای مناظره شخصه به بیمارستان آمریکایی‌ها رفت و با کشیش‌های هیات آمریکائی مناظره کرد. او در همین راستا علما و طلاب را به آموختن فن مناظره جهت مقابله با فعالیت‌های تبلیغی میسیونرهای مسیحی تشویق می‌کرد.

کتابشناسی

- آقابکوف، ژرژ سرگریویچ، خاطرات آقابکوف، ترجمه حسین ابوترابیان، پیام، تهران، ۱۳۵۷.
- الدر، جان، تاریخ میسیون آمریکایی در ایران، ترجمه سهیل آذری، نورجهان، تهران، ۱۳۳۳.
- الهی، حسین، احزاب و سازمان‌های سیاسی و عملکرد آنها در خراسان در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۸۲.
- ، روزنامه و روزنامه نگاری در خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۷۸.
- امین، سید حسن، «تبلیغ مسیحیت در قلمرو اسلام و پادریان در ایران»، مقالات و بررسی‌ها، زمستان، ۱۳۷۸.
- جلالی، غلامرضا و دیگران، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۸۶.
- خلیفه، معجبتی و نجف زاده، علی، «دارالفنون رضوی ایده‌ای برای مقابله با فعالیت‌های هیئت تبشیری پرس بی‌تریان در مشهد» مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهارم و سوم، شماره پیاپی ۸۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- رادمنش، محمدکاظم، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی آمریکایی‌ها در مشهد با نگاهی به روابط ایران و آمریکا، سخن‌گستر، مشهد، ۱۳۹۰.
- زیرینسکی، میشل‌پ، «مباحث سیاسی میسیونرهای کلیسای انجیلی و رابطه آمریکا با ایران در دوره پهلوی»، ترجمه علی مجتهد شبستری، سیاست خارجی، شماره ۸، اسفند ۱۳۶۷.
- سردار اسعد، خاطرات سردار اسعد بختیاری (جعفر قلی خان سردار بهادر)، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، ۱۳۷۸.
- فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ترجمه میرزا صالح، غلامحسین، نگاه معاصر،

تهران، ۱۳۸۷.

عظیم زاده تهرانی، طاهره، «نگاهی به تکاپوهای تبلیغ گران آمریکایی در مشهد»، فرهنگ خراسان، سال اول، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۰.

متولی، عبدالله، «نگاهی به عملکرد موسسات تبلیغی آمریکایی ها در ایران»، فصلنامه مطالعات تاریخی، پاییز، شماره ۹، ۱۳۸۴.

متولی حقیقی، یوسف، تاریخ معاصر مشهد: پژوهشی پیرامون تحولات سیاسی اجتماعی مشهد از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی، شورای اسلامی شهر مشهد، مرکز پژوهش‌ها، مشهد، ۱۳۹۲.

مجد، محمدقلی، فحطی بزرگ (۱۲۹۸-۱۲۹۶ش) (۱۹۱۹-۱۹۱۷م)، ترجمه محمدکریمی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، تهران، ۱۳۸۶.

مدرس رضوی، محمد تقی و دیگران، مشهد در آغاز قرن چهاردهم خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپوری، تصحیح و توضیح مهدی سیدی، آهنگ قلم، مشهد، ۱۳۸۶.

نوغانی، میرزا علی اکبر، سه مقاله، موسسه مطبوعاتی بورس کتاب، مشهد، ۱۳۴۸.

ولایی، مهدی، «شرح حال نایب التولیه‌های آستان قدس»، نامه آستان قدس، شماره ۲۰، ۱۳۴۴.

همراز، ویدا، مبلغان مسیحی در ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی، انتشارات پژوهشگاه و فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۹۱.

یادداشت‌های محرمانه کنسولگری انگلستان در سیستان و قاینات سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ میلادی، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، نشر هیرمند، تهران، ۱۳۹۲.

روزنامه‌ها

آفتاب شرق، سال چهارم، شماره ۱۳، و شماره ۲۵۹۹، سال بیست و ششم، ۴.

ایران، سال پنجم، شماره ۸۲۹.

خراسان، سال دوم، شماره ۴۸۴، و سال دوم، شماره ۴۹۲ و سال پنجم، شماره ۱۲۲۹.

فکر آزاد، سال اول، شماره ۵۳، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۴۱/۱۴ دلو ۱۳۰۱.

نور ایران، شماره ۸۷۰.

اسناد

اسناد وزارت امور خارجه

اسناد موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سازمان اسناد ملی